یادداشت | محمدمحمدی

شروع شایسته جشنواره سی و ششم

آیین افتتاح جشنواره سی‌وششم فیلم فجر را باید در زمره یکی از بهترین آیین‌های افتتاحیه در طول ادوار و حتی چند سال اخیر قلمداد کرد؛ رخدادی که پیشتر ابراهیم داروغه‌زاده، دبیر این دوره در نشست خبری با اشاره به همخوانی آن با جشن‌های انقلاب بر ضرورت باشکوه برگزار شدنش سخن به میان آورد و با تأکید بر برگزاری یک افتتاحیه باشکوه آن را بسیار مهم و قابل‌اعتنا توصیف کرد؛ عباراتی که از قضا به مذاق برخی رسانه‌های زنجیره‌ای و صد البته سیاسی خوش نیامده و سعی در سانسور و حذف آن داشتند، اما در نهایت و بعد از مدت‌ها در اولین روز از اعیاد دهه فجر و در سالن همایش‌های برج میلاد، شاهد آیین آغاز به کار یک جشنواره تخصصی هنری آن هم در تراز کشور و نظام بودیم؛ اتفاقی که امسال چه در جشنواره موسیقی و چه در جشنواره تئاتر نه‌تنها رنگ و بویی از آن وجود نداشت که در اغلب و اکثر ایام برگزاری شاهد رفتارهای قابل‌تأمل و صدالبته برنامه‌ریزی‌شده در مراکز و محافل معاند نیز بودیم،اما این تلخکامی از جشنواره‌های موسیقی و تئاتری با درایت و تدبیر سیاستگذاران و برنامه‌ریزان جشنواره فیلم فجر تا حدود بسیار مناسبی آن هم در آستانه آغاز چهلمین سال انقلاب به طرز بسیار امیدوارکننده‌ای جبران شد، به گونه‌ای که شروع ماراتن سی و ششم فیلم فجر نوید یک فستیوال هنری مطلوب آن هم در مقیاس هنر هفتم با حجم انبوهی از مخاطبان و هواداران را به دنبال خواهد داشت.

اما امسال و با بررسی موشکافانه و دقیق جشنواره‌های هنری فجر به تضاد عجیب و قابل‌توجه آن هم در زیرمجموعه نهادی واحد چون وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و صدالبته در یک برهه از زمان می‌رسیم و این سؤال ساده که چرا و به چه علتی باید چنین تضادی رخ دهد؟در ایام برگزاری جشنواره تئاتر فجر اصرار عجیب دبیر وقت برای عدم استفاده از عبارت انقلاب و نظام برای پسوند جشنواره‌ای که پی و اساسش متعلق به همان نظام و همان انقلاب است،سؤالی بود که نگارنده در اغلب و اکثر سخنرانی‌ها، نامه‌نگاری‌ها و یادداشت‌های ایشان در پی جوابش می‌گشت و هیچ و هرگز نیافت، گویی نه‌تنها شخص آقای دبیر که حتی منسوبان و منتصبان ایشان نیز تمایلی ندارند بین این جشنواره و انقلاب یک نسبت روشن برقرار باشد تا جایی که حتی آقایان سعی در تغییر عنوان این جشنواره با شعار گفت‌وگوی تئاتر کردند؛ شعاری که حتی خودشان نیز به آن پایبند نبودند و در مراسم اختتامیه اجازه ندادند، افرادی که برایشان بزرگداشت گرفته‌شده کلامی سخن بگویند، برگزیدگان و سایر مدعوین که جای خود داشتند.

نگارنده از پوستر مضحک و دون شأن تئاتر دیگر سخن به میان نمی‌آورد که خود قصه هزار غصه‌ای است که نه‌تنها آبرویی برای تئاتر که برای فرهنگ و هنر کشور آن هم توسط آقایان دبیر و دوستانشان نگذاشتند که از نمایش‌های بخش بین‌الملل جشنواره فارغ از نوع و نحو دعوت، مضمون آثار و حتی داوران این بخش سخن بسیار است که بدون شک حکایت داستان صد من کاغذ و مجال این وجیزه اندک اما در نهایت جشنواره سی و ششم تئاتر فجر به لطف مدیران تئاتری کشور به یکی از بدترین و نامطلوب‌ترین ادوار بدل شد که تا سالیان سال در بابش سخن‌ها گفته شود،اما هر چه در برهوت جشنواره تئاتر فجر تشنه و تلخکام شدیم در گام نخست جشنواره فیلم فجر امیدوار و خوش‌بین به آینده هستیم.

از ترکیب و انتخاب اعضای داوران گرفته تا تأکید بر ادای دین سینما به انقلاب در جشنواره و ضرورت هر چه باشکوه برگزار شدن جشن انقلاب اسلامی همگی امیدوارکننده و مطلوب صورت پذیرفت، گویی قرار است جشنواره فیلم فجر کم‌کاری‌ها و کاستی‌های حضرات را در تئاتر و موسیقی یک‌تنه جبران کند و این بدون شک جز عزم دبیر و سیاستگذاران جشنواره صورت نمی‌پذیرفت.

البته که این نکته نباید مغفول بماند که تنها چند ماه از انتخاب معاون هنری وزارت ارشاد گذشته است و طبعاً نمی‌توانست در کوتاه‌مدت دست به تغییر مدیران گذشته آن هم در آستانه برگزاری مهم‌ترین رویدادها هنری بزند،اما این انتظار از جناب معاون هنری که یکی از شخصیت‌های فرهیخته و هنرمندی است که طی سالیان نظام، ساختمان استاد شهریار به خود دیده است، می‌رود که با بررسی دقیق نقاط ضعف و قوت جشنواره‌ها در تغییراتی که آهسته و آرام در گوش اهالی هنر زمزمه می‌شود، افرادی لایق، مدیر و مدبر و از همه مهم‌تر متعهد را برای اداره امور انتخاب کند تا ان‌شاءالله در سال آینده شاهد شکوفایی هر چه بیشتر در حوزه‌های تخصصی به‌خصوص تئاتر و سینما که به‌نوعی سرآمد و ویترین حوزه فرهنگی کشور هستند، باشیم.

یادمان باشد فارغ از نوع و نگاه‌های سیاسی موجود، برآیند عملکرد دولت یازدهم در حوزه فرهنگ و هنر منفی و نامطلوب بوده و قاطبه اهالی هنر به‌هیچ عنوان رضایتمند نیستند و این نارضایتی‌شان را به انواع مختلف نیز بیان کردند، پس بدون شک جناب آقای حسینی معاون محترم هنری ارشاد برای جبران تمام این کاستی‌ها راه دشواری در پیش دارد که جز با انتخاب و انتصاب افراد متعهد و لایق و صد البته امتحان پس داده و مقبول در پیشگاه اهالی فرهنگ و هنر میسر و پیموده نخواهد شد.

جوان

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز

مدیرعامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی

سردبیر: غلامرضا صادقیان

آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۳۸۴

سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۹۸۴۷۳

روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸، نمابر: ۶-۸۸۸۴۵۶۳۴

توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۷۷-۷۶-۸۸۴۹۸۴۷۵

چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان

www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۵۳۰۳ | یک‌شنبه ۱۵ بهمن ۱۳۹۶ | ۱۷ جمادی‌الاول ۱۴۳۹ | اذان ظهر: ۱۲:۱۸ |

غروب آفتاب:۱۷:۳۵|اذان‌مغرب:۱۷:۵۴|نیمه‌شب‌شرعی:۲۳:۳۵|اذان‌صبح‌فردا:۰۵:۳۶|طلوع آفتاب‌فردا:۰۷:۰۱|

حکمت

حکمت ۲۵۵

طغیان غضب، نوعی جنون و دیوانگی است، چراکه صاحبش بعداً پشیمان می‌شود و اگر پشیمان نشود دلیل بر آن است که جنونش مستحکم است.

نگاهی به فیلم «جاده قدیم» آخرین ساخته منیژه حکمت

موضع ضداختلاس به این سینما نمی‌آید

■ ایزد مهرآفرین

منیژه حکمت با سومین اثر سینمایی خود «جاده قدیم» در بخش مسابقه سی‌وششمین جشنواره ملی فیلم فجر حضور دارد. حکمت که تنها زن کارگردان حاضر در بخش مسابقه سینمای ایران است، تهیه‌کنندگی این پروژه را نیز برعهده دارد.

«جاده قدیم» داستان زنی کارمند را روایت می‌کند که شب عید نوروز با مشکلاتی مواجه می‌شود. نقش اصلی این فیلم برعهده مهتاب کرامتی است. آتیلا پسیانی و پرویز پورحسینی دیگر بازیگران این پروژه سینمایی هستند.

«جاده قدیم» در نقطه ابتدای شروع فیلم خوب و خوش‌فرم و رو پایی است که مخاطب را با خود همراه می‌کند. شروع داستان خوب و حساب‌شده جلو می‌رود. گره‌افکنی که برای شخصیت اصلی فیلم (مهتاب کرامتی) پیش می‌آید، گره خوب و درگیرکننده و تازه‌ای است. همه اینها تا نیم ساعت ابتدایی حساب‌شده و درست و منطقی پیش می‌رود و مخاطب را با فیلمی درگیرکننده مواجه می‌کند.

اما همه اینها به یکباره فرو می‌ریزد. انگار که فیلمساز تا اینجا زورش بیشتر نرسیده که داستان را سرپا نگه دارد و از گره‌افکنی جدید و نیروی پیش‌برنده برای بقیه داستان و فیلم خبری نیست. داستان در جا می‌زند و پیش نمی‌رود. با اینکه نویسنده و فیلمساز کوشیده‌اند که یکی دو خط داستانی دیگر به قصه اضافه کنند ولی باز چیزی جلو نمی‌رود و یک موقعیت چندین و چندبار دایره‌وار تکرار می‌شود و مخاطب در همان نقطه ابتدای فیلم گیر می‌کند.

سینمای ایران اول باید نور را روی خودش بتاباند و خودش چگونگی تولید این همه فیلم در سال را شفاف کند که سرمایه این فیلم‌ها از کجاها می‌آید. این دستمزدهای نجومی از کجا به سلبریتی‌ها داده می‌شود

با اینکه حوادث فرعی در دل داستان میکس شده‌است،اما اینها هیچ فایده‌ای ندارد و فیلم هر چه جلوتر می‌رود، عقب‌مانده‌تر و کهنه‌تر و کلیشه‌ای‌تر می‌شود. یکی دو نفر از بازیگران اصلی اصلاً از پس نقششان بر نمی‌آیند و یکی از نقاط ضعف بزرگ فیلم همین بازیگرها هستند؛ گرچه مهتاب کرامتی در فیلم بازی خوبی از خودش به نمایش می‌گذارد و تا حدود زیادی کلیشه‌هایی که در این چند سال از بازی این بازیگر در ذهن مخاطبان ایجاد شده، از بین می‌رود. در مورد بقیه بازی‌ها هم باید گفت یکسری تیپ‌سازی‌ها در ذهن کارگردان بوده که موفق نشده اینها را در اجرا درست و منطقی پیدا کند و همه تقریباً روی هوا هستند و پرورده و پخته نشده‌اند.

اما مهم‌ترین نکته‌ای که درباره این فیلم می‌شود گفت، این است که وقتی سینمای ایران می‌خواهد درباره موضوع مهم، به روز و قابل بحثی مثل اختلاس و کلاهبرداری فیلم بسازد و به نوعی حرف بزند یا مانیفست بدهد، طرح این موضوع برای سینمای ایران هم زود است هم باورناپذیر. وقتی سینمای ایران خودش و سابقه سازندگان و تهیه‌کنندگانش کمترین شفافیتی در این‌باره دارند و سال به سال شاهد اختلاس‌ها و رقم‌های نجومی بی‌حساب و کتاب در این سینما هستیم، چگونه می‌شود حالا از یک فیلم توقع داشته باشیم بیاید در مورد اختلاس حرف بزند و صادق باشد. سینمای ایران اول باید نور را روی خودش بتاباند و خودش چگونگی تولید این همه فیلم در سال را شفاف کند که سرمایه این فیلم‌ها از کجاها می‌آید. این دستمزدهای نجومی از کجا به سلبریتی‌ها داده می‌شود. وقتی تکلیف ورود سرمایه‌های مشکوک به سینمای ایران مشخص شد،آن روز سینماگران بیایند فیلمی ضد اختلاس بسازند. اگر روزی سینمای ایران به این پرسش‌ها جواب داد، شاید بشود به اینکه روزی فیلمی صادقانه درباره اختلاس بسازد هم فکر و اعتنا کرد.

به هر حال در این شرایط باورناپذیر است که مجموعه‌ای با این همه نقطه تاریک که بخش قابل‌توجهی از آن درگیر همین موضوعات است،حالا بیاید و فیلمی ضد اختلاس بسازد و بخواهد درباره شفافیت مالی در کشور صحبت کند. قبلاً سینمای ایران دو نوع فیلم داشت؛ فیلم خوب و فیلم بد، حتی فیلم‌های بد سال‌های دور سینمای ایران یک ایمان و اعتقادی در خود نهفته داشتند که هم دیدنشان برای مخاطب جذاب بود و هم مخاطب دوست داشت. با اینکه به هیچ وجه فیلم‌های خوبی به لحاظ فنی و تکنیکی نبودند، واقعاً فیلم بد بودند اما الان سینمای ایران پر شده از فیلم‌های خنثی و بی‌بو و بی‌رنگ و بی‌شکل که شما نمی‌توانید در کلیت دیده شدن آن را به کسی توصیه کنید. شاید فیلمی چند سکانس خوب داشته باشد ولی کلیت اکثر فیلم‌های سینمای ایران بی‌خاصیت و خنثی شده‌اند و تکلیفشان نه با خودشان مشخص است نه با مخاطبانشان. از شما می‌پرسند فیلم چطور بود؟ می‌گویید «ای بد نبود» و این نوع فیلم و فیلمسازی بدترین نوع سینماست.

در پایان باید گفت «جاده قدیم» داستان و موقعیت تازه‌ای ندارد، اما تا دلتان بخواهد اسپانسر دارد؛ از مهتاب کرامتی و کارمانیا و سامسونگ تا آژانس پرورش گل و گیاه و مؤسسه توسعه اقتصاد هنر آتیه به علاوه بیلبوردهای بانک و اسنپ یاری کرده‌اند تا خانم حکمت بعد از ۱۰ سال فیلم بسازد.

حمید نعمت‌الله: سعی کردم در کنار شکوه سیستان، معضلات آن را نیز نشان دهم

کارگردان فیلم سینمایی «شعله‌ور» در نشست خبری این فیلم گفت: به همکارانم گفتم که وقتی فیلمی در سیستان و بلوچستان می‌سازیم باید علاوه بر نمایش شکوه آنجا، معضلات را نیز نمایش دهیم که در این فیلم در بخش‌های مختلف این مسئله رعایت شده است.

نشست رسانه‌ای فیلم سینمایی شعله‌ور به کارگردانی حمید نعمت‌الله در پردیس سینمایی ملت با حضور عوامل این فیلم و اصحاب رسانه برگزار شد. در ابتدای این نشست حمید نعمت‌الله گفت: در مورد اعتراض مردم سیستان و بلوچستان اطلاعی ندارم. در فیلم من، احترام به آنها کاملاً مشخص است شاید به صحنه مواد مخدر در فیلم اعتراض داشتند، ما بسیار با احتیاط پیش رفتیم. گفتم که وقتی فیلمی در آنجا می‌سازیم باید علاوه بر شکوه آنجا که نمایشش می‌دهیم معضلات را نیز نمایش دهیم که در این فیلم در بخش‌های مختلف این مسئله وجود دارد. می‌خواهم کمی فیلم ما را با حسن نیت ببینند، ما در مورد کم آبی زابل هم در فیلم صحبت کرده‌ایم. من عاشق فرهنگ سیستانی‌ها هستم و دوستشان دارم.

در ادامه محمدرضا شفیعی گفت: کسی فیلم شعله ور را ندیده که بخواهد اعتراضی داشته باشد تنها در افتتاحیه نشان داده شد که چند نفر که در صف اول بودند نکاتی را گفتند و یکی از دوستان مصاحبه‌ای کرد و گفت: ما این فیلم را نمایش نمی‌دهیم که باید بگویم مگر کسی خواست که شما فیلم ما را نمایش دهید، فیلم ما صادقانه و بی‌غل و غش است.

تهیه کننده شعله‌ور گفت: سال گذشته می‌خواستیم فیلم را برسانیم که امکانپذیر نشد. ۲۰ دقیقه از فیلم ما را دیدند که هیئت انتخاب گفتند اینطور نمی‌توان قضاوتی داشت. آقای حیدری با من تماس گرفتند و این نکته را گفتند. حالا اینکه قوانین جشنواره اجازه می‌دهد یا نه که ما حضور داشته باشیم یا خیر، دبیر جشنواره باید توضیح دهد.

نما | حسین کشتکار

جشنواره فجر سرانجام کودکان را به رسمیت شناخت

«فیلشاه »را سر نبرند اتفاق‌های خوبی برای این انیمیشن می‌افتد

■ جواد محرمی

جشنواره فیلم فجر که سال‌ها بود کودکان و نوجوانان را تقریباً کنار گذاشته و صرفاً علاقه به موضوعاتی داشت که ویژه بزرگسالان بود،امسال در حرکتی که می‌توان آن را به فال نیک گرفت،انیمیشن فیلشاه را در بخش مسابقه پذیرفت،اما عوامل این اثر معتقدند شرایط عادلانه‌ای برای اکران فیلشاه لحاظ نشده است.

فیلشاه دومین انیمیشن به کارگردانی هادی محمدیان تا حد زیادی توانست تا اینجای کار رضایت مخاطبان جشنواره فیلم فجر را به خود جلب کند؛ فیلمی که قطعاً برای سینمای انیمیشن ایران یک گام رو به جلو محسوب می‌شود.

محمدیان با فیلشاه ثابت کرده واقعاً به انیمیشن اعتقاد دارد،اما آنچه در کنار کیفیت بالا، کارهای او را ارزشمند می‌کند، مفاهیم و محتوایی است که او در آثارش به آن اهتمام دارد. محمدیان مانند انیمیشن قبلی‌اش یعنی شاهزاده روم باز هم به موضوعات قرآنی و البته استراتژیک تمایل نشان داده است، اما شیوه کار او در انیمیشن‌سازی قطعاً روی ریل صحیحی قرار دارد؛چراکه او و تیمش توان جذب مخاطب کودک را دارند. علت این توانمندی هم در این است که آثار محمدیان دقیقاً برای بچه‌ها ساخته می‌شود و نه برای مدیران. خود محمدیان بر این نکته تأکید دارد که کارهای او بر خلاف بسیاری از پروژه‌های انیمیشن که نهادها می‌سازند در مرحله تولید بازگشت سرمایه ندارد و چشم او به گیشه است. این یعنی اینکه محمدیان نگاهی حرفه‌ای و البته صنعتی به سینما دارد و صرفاً برای جیب مبارک انیمیشن نمی‌سازد.

کارگردان فیلشاه در نشست خبری پس از نمایش فیلم هم انتقادات زیادی را متوجه برگزارکنندگان جشنواره کرد. او با انتقاد از مدیریت جشنواره که بدترین سانس‌ها را به این انیمیشن داده است، اما ابراز امیدواری کرد که دهه آتی دهه انیمیشن در سینمای ایران باشد.

محمدیان با اشاره به اینکه برای برخی پروژه‌های سینمایی برگشت سرمایه چندان اهمیتی ندارد، گفت: ما تیمی هستیم که با علاقه شخصی به کار وارد شدیم و مخاطبمان هم کودکان و نوجوانان هستم و همه سعی ما نیز این است که یک قصه خوب به آنها ارائه دهیم. ما بیش از ۲هزار و ۵۰۰ پلان داشتیم که با عشق و علاقه کنار هم قرار گرفتند.

این کارگردان با تأکید بر اینکه دهه اخیر دهه انیمیشن است،گفت: ما برای عقیده‌مان زحمت کشیدیم و نتیجه‌اش این شده که کودکانی که به تماشای این فیلم آمده‌اند،

منتظر ورود سی دی این کارتون هستند.

محمدیان در پاسخ به سؤالی که چگونه این کاراکتر شکل گرفته، این موضوع را برگرفته از رصد بازار و نیاز جامعه دانست و گفت: دغدغه ما قصه است،نه محتوا، همچنین حیات شخصیت فیلشاه با سینمایی انیمیشن شروع شده و قرار است با ساخت سریال و اسباب‌بازی‌های آن ادامه پیدا کند.

این کارگردان با اشاره به کوچک‌شدن سینما گفت: اگر این فیلم را یکی از کارگردانان مشهور در ایران ساخته بود، امروز اینجا پر از خبرنگار بود. محمدیان با بیان اینکه با توجه با اتفاقاتی که برای فیلشاه در جشنواره رخ می‌دهد، آینده آن را در مورد اکران‌های خارجی بررسی می‌کند، گفت: امیدواریم هر سال یک کار انیمیشن بسازیم و هم اکنون نیز چند کار را به صورت موازی پیش می‌بریم. محمدیان در مورد ریتم تند فیلم گفت: ذهن بچه‌های امروز بسیار پر ریتم شده است و البته یکی از شگردها برای بازگشت دوباره کودک به سینما هم همین ریتم تند است چراکه به خاطر تمرکز روی موضوعی بعضی قسمت‌ها را از دست می‌دهند و برای همین دوباره بازمی‌گردند تا آن بهتر فیلم را درک کنند. جعفری تهیه‌کننده فیلشاه نیز با انتقاد از مدیریت جشنواره و اکران انیمیشن فیلشاه در سانس فوق‌العاده ساعت ۱۱ شب گفت: وقتی یک اثر سینما را رونق می‌دهد و برای ایران افتخارآفرینی می‌کند، چگونه با آن رفتار می‌کنند. آقای محمدیان امروز ۱۰ دقیقه پشت در سینما بود و اجازه ورود نداشت. این اثر بسیار پر زحمت ساخته شده است ولی با کارهایی که بسیار راحت‌تر ساخته می‌شود، مهربان‌تر رفتار می‌شود. اتفاقاتی که رقم می‌خورد باعث شده ما از روند جشنواره گله‌مند باشیم. اسم‌های ما آنقدر بزرگ نیست که ما را به اندازه دیگر دوستان تحویل بگیرند! اگر فیلشاه را سر نبرند، اتفاق‌های خوبی برای این اثر می‌افتد.

آغاز به کار انجمن ادبی دانشگاه تهران با نکوداشت قیصر امین‌پور

آیین گشایش انجمن ادبی دانشگاه تهران با نکوداشت یاد و خاطره قیصر امین‌پور، سه‌شنبه (۱۷ بهمن ماه) ساعت ۱۵ در باغ موزه نگارستان برگزار می‌شود.

به گزارش «جوان» این مراسم با حضور مجید سرسنگی (معاون فرهنگ دانشگاه تهران)، حضور و شعرخوانی ساعد باقری، یوسفعلی میرشکاک، محمدرضا عبدالملکیان، سهیل محمودی، محمدعلی بهمنی، افشین علا، اسماعیل امینی، سعید بیابانکی، حسین آهی، عبدالجبار کاکایی، حمیدرضا شکارسری، بیوک ملکی، فریبا یوسفی و علیرضا بدیع برگزار خواهد شد.

مجید سرسنگی در زمینه آغاز به کار انجمن ادبی دانشگاه تهران، گفت: یکی از رویکردهایی که ما در این چند سال در حوزه فرهنگی دانشگاه تهران داشتیم این است که سلیقه‌های مختلف دانشجویان، محملی برای فعالیت‌های فرهنگی پیدا کند. حوزه ادبیات و شعر یکی از حوزه‌هایی است که به شدت دانشجویان به آن علاقه دارند. ما در دانشگاه، دانشکده ادبیات داریم که اساتید برجسته‌ای در آنجا یا درس دادند و بودند یا در حال حاضر هستند، مثل مرحوم قیصر امین‌پور یا استاد شفیعی کدکنی که خوشبختانه ایشان در حال حاضر هم حضور دارند و دانشجویان از محضر درس استاد استفاده می‌کنند. وی افزود: بنابراین فکر کردیم که تشکیل یک انجمن ادبی می‌تواند در جذب استعدادهای جوانی که در دانشگاه هستند در حوزه ادبیات و شعر مفید باشد و بستری را فراهم کند که این دانشجویان و همچنین اساتید بتوانند در این انجمن ادبی هم بیاموزند و هم به دیگران آموزش دهند.

معاون فرهنگی دانشگاه تهران، اظهار داشت: نکته دیگر این است که یکی از مسائلی که دانشگاه همیشه از آن رنج می‌برده؛ عدم ارتباط با جامعه بوده است؛ در حوزه‌های علمی هم این موضوع بوده و در حوزه‌های فرهنگی و هنری هم هست، یعنی به عنوان مثال اساتیدی که در دانشگاه در حوزه شعر کار می‌کنند خیلی در جامعه شناخته شده نیستند و با جامعه ارتباطی ندارند، نه تأثیری در جامعه می‌گذارند و نه تأثیر از جامعه می‌گیرند، البته عموما این طور است و استثناهایی هم بوده است. سرسنگی در ادامه عنوان کرد: فکر کردیم ایجاد یک انجمن ادبی می‌تواند نقش اساتید و دانشجویان ادبی دانشگاه را در محیط حرفه‌ای ادبیات و شعر کشور بیشتر کند و به نوعی ما بتوانیم در حوزه ادبیات و شعر جریان‌سازی و نقش‌آفرینی کنیم.

معاون فرهنگی دانشگاه تهران، گفت: در مجموع قرار است فعالیت‌هایی که در باغ موزه نگارستان انجام می‌شود، چند بعدی شود، ایده ما این است که باغ موزه نگارستان تبدیل به یک مرکز فرهنگی- هنری جامع شود و تنها یک موزه برای نگهداری چند شیء نباشد به همین دلیل سعی کردیم فعالیت‌های متنوعی را در باغ موزه نگارستان طراحی کنیم.

کتاب

«مگرچشم تو دریاست» روایتی از زندگی خانواده‌ای مجاهد

مادر شهیدان جنیدی با صداقت خاطراتش را گفت

جواد کلاته معتقد است جذابیت کتاب «مگرچشم تو دریاست» به خاطر صداقت مادر شهیدان جنیدی است که واقعاً توانسته خاطراتش را بدون هیچ سانسوری روایت کند؛ روایت مادری صبور که چهار فرزندش در جبهه‌های حق علیه باطل به فیض شهادت نائل آمدند.

«مگر چشم تو دریاست» عنوان کتابی است که وقتی آن را در دست بگیرید،دیگر نام کتاب فراموشتان می‌شود و روایت مادری صبور شما را با خود می‌برد به عمق اتفاقاتی که برایش روی داده است. حاجیه خانم جنیدی، همسر حجت‌الاسلام جنیدی و مادر چهار شهید این روزها در شهرستان پیشوا زندگی و با خاطرات فرزندان شهیدش روزگار سپری می‌کند.

جواد کلاته عربی نویسنده کتاب «مگرچشم تو دریاست» که نامزد بخش مستندنگاری در جایزه کتاب سال دفاع مقدس بود در اینباره می‌گوید: شروع کارم یک حوزه پژوهشی در رابطه با امام و انقلاب در سال ۸۷ – ۸۶ بود. ابتدا قرار نبود کتاب شود بلکه تنها یک مقاله مفصل باشد اما ما زمانی که سرفصل‌های کار را درآوردیم طرح یک کتاب شد که موضوع آن شرح نامه امام به گورباچف بود،چون فهمیدم موضوعی است که به غیر از یکی دو تا کار که اصلی‌ترینش شرح آقای جوادی آملی‌است و یک شرح فلسفی عرفانی بود، کاری در این حوزه انجام نشده و برای همین به مطالعه بیشتر و تحقیق در این موضوعات علاقه‌مند شدم. نویسندگی جدی من از همین دوره شروع شد و حدود ۲/۵ سال زمان برد تا من این کتاب را نوشتم. پژوهش سنگینی بود. در این کتاب من با استفاده از نظر امام در درجه اول و در درجه دوم دیگر منابع علمی که وجود داشت، فرازهای نامه را شرح و بسط دادم، البته سه سال بعد که من کتاب را تحویل دادم، چاپ شد.

فیلم کامبوزیا پرتوی در جشنواره کم‌فروغ ظاهر شد

«کامیون» در دست‌انداز پردیس ملت

■ محمدصادق عابدینی

«کامیون» فیلمی به نویسندگی، کارگردانی و تهیه‌کنندگی کامبوزیا پرتوی که سرآغازش با اشاره به جنایات داعش علیه اقلیت ایزدی همراه بود، نتوانست در اولین اکران پردیس ملت، پرفروغ ظاهر شود.

زنی ایزدی به همراه فرزند خردسال و برادر شوهر نوجوانش از کشتار و جنایت داعش علیه ایزدی‌های عراق گریخته و برای پیدا کردن همسرش که در تهران است، با یک کامیون راهی ایران می‌شود. کامبوزیا پرتوی که سال گذشته با نگارش فیلمنامه «فراری» سیمرغ بهترین فیلمنامه جشنواره فیلم فجر را به دست آورده بود امسال نیز سراغ فیلمی جاده‌ای رفت؛ اثری که گفته شده بود شاید در ترکیه ساخته شود. داستان این فیلم همسفری یک زن جوان کرد عراقی جنگ زده با یک پیرمرد کرد ایرانی برای پیدا کردن همسرش که در تهران است، می‌باشد. مانیفست کارگردان در مواجهه با تهران در دیالوگی از فیلم نمایان می‌شود؛ جایی که پیرمرد راننده از زیبایی‌های پایتخت تعریف می‌کند، اما تأکید می‌کند که اگر غریب باشی، تهران شهر بی‌رحمی می‌شود. حضور در تهران و سرکشی به محلات مختلف از شمال گرفته تا جنوب و حتی حاشیه شهر برای پیدا کردن مردی که گویا حلقه گمشده فیلم است، باعث نزدیکی زن جوان با پیرمرد می‌شود. فیلمساز عامدانه تنوع فرهنگی را به نمایش می‌گذارد از کرد کرمانج عراقی تا کرد ایرانی، مهاجران افغانی و هموطنان آذری، ولی آنچه بیننده منتظر آن است در فیلم رخ نمی‌دهد. تنها گره فیلم این است که شوهر دختر جوان کجاست؟ اما این گره باز نمی‌شود. از طرف دیگر حضور

نیکی کریمی که در نقش خودش بازی کرده است نیز یک وصله ناجور از آب درآمده است و دیالوگ نچسب و مبتدیانه در مواجهه با زن کرد و پرسش «داعش با شما چی کار کرده؟» فضای مضحکی را به وجود می‌آورد. در ادامه نیز به‌رغم اینکه عکس یادگاری همسر زن کرد با نیکی کریمی در ساک دستی وی پیدا می‌شود، فیلم به دنبال ایجاد فضای جدی‌تر برای نیکی کریمی و باز شدن گره به دست وی نمی‌رود و عامدانه این برگ برنده را رها می‌کند. کامبوزیا پرتوی که یکبار دیگر نیز در «فراری» سردرگمی یک غریبه در تهران را روایت کرده بود،اینبار به پایتخت حمله می‌کند، اما حمله‌ای ضعیف و تکراری شده که حتی به خلق موقعیت جدی و جدیدی منجر نمی‌شود. همان طور که استقبال منتقدان و اصحاب رسانه از فراری در نهایت با جایزه بهترین فیلمنامه برای آن فیلم همراه شد، امسال باید عدم رضایت منتقدان و رسانه‌های سینمایی از فیلم کامبوزیا پرتوی را نشانه‌ای از توفیق نیافتن این فیلم برای حضور در جمع بهترین‌های جشنواره سی و ششم دانست.